



بازتعریف صفات معمار مخلوق مبتنی بر صفات معمار عالم

احمد دانائی نیا^{۱*}، علیرضا علیزاده^۲

۱۳۹۹/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله :

چکیده

بیان مسئله: اسلام، والاترین کالبد وجود انسان را در اسماء الهی می‌داند و او را به سبب دارا بودن این صفات، برتر و متعالی‌تر از سایر موجودات بشمار می‌آورد. بنابراین معتقد است اساسی‌ترین نیازها و خواسته‌های او در گروهی همین صفات شکل می‌گیرند و بنا بر باور اسلامی، رسیدن به کمال در این صفات را وظیفه جمیع مخلوقات و مصنوعات از جمله معماری می‌داند. معماری باید نیاز انسان را پاسخ دهد و توجه به معنا را در قالب اسماء الهی تجلی بخشد؛ چرا که شاکله معماری اسلامی بر معنا دهی استوار است. علاوه بر اثر معماری خود معمار نیز به دلیل اینکه خداوند انسان را صورتی از خود آفریده و در گِل او روح دمیده است؛ به واسطه خلیفۀالله بودن باید متصف به اوصاف پروردگار و مظهر اسماء و صفات خداوندی بر روی زمین باشد.

سوال تحقیق: در این راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که به منظور خلق اثری مبتنی بر هویت معنوی، معماری به عنوان محصول نهایی باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟ و معمار باید از چه شاخصه‌هایی پیروی کند تا در آن مسیر هدایت شود؟

اهداف تحقیق: این پژوهش به دنبال آن است تا با بررسی ارتباط معمار و معماری با صفات و اسماء خداوند متعال در قرآن، نقشه راهی را برای خلق آثار معماری ارائه داده و ویژگی‌هایی را مبتنی بر همین ارتباط برای معمار ترسیم نماید.

روش تحقیق: پژوهش کیفی و در حوزه روش شناسی مبتنی بر تحلیل و تفسیر است.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: یافته‌ها نشان می‌دهد که معمار و اثر او به عنوان منبع تجلی صفات الهی، دارای ویژگی‌ها و خصایلی از قبیل: قناعت در کنار خلاقیت کاربردی و ظرافت در طراحی، نوآوری در طراحی، تمرکز و وحدت اثر، خودکفایی و توانایی در انجام وظیفه، منزلت و کمال اثر، درک درست از توسعه بخشی بنا، پاسخگو به نیاز جامعه، زمینه ساز تعادل، انتقال دهنده حس طراح با در نظر گرفتن هویت معنوی اثر و در نهایت رعایت اصول هستی شناسی و اندازه‌مندی فیزیکی، عقلانی و رفتاری در آثار، باشد. خلق چنین آثاری به واسطه انتساب آن به صفات معمار عالم، به هویت معنوی آراسته شده و به عبارتی به کمال و جاودانگی می‌رسد و تقدس می‌یابد و هنر استعلایی پدید آمده، علت ایجاد آرامش در مخاطبین اثر است.

کلمات کلیدی: صفات الهی، هویت معنوی، قرآن، معمار، معماری اسلامی

* استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل: Danaeinia@Kashanu.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران ایمیل: Alirezaa.Alizade1994@Gmail.com

۱- مقدمه

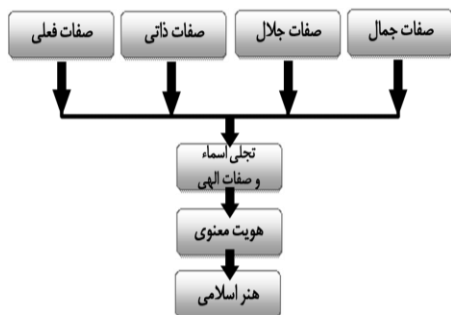
قرآن یکی از دو ثقل گران‌بهایی است که می‌توان با رجوع به آن و عمل بر اساس رهنمودهای آن به رستگاری رسید (مستدرک علی الصحیحین، ۱۲۴). این اثر جاوید، در تبیین صفات یک اثر خوب-که در اینجا معماری پیش‌فرض قرار گرفته است، گاه به صورت مستقیم (توضیح مطلبی در آیه‌ای) و گاه غیرمستقیم (تبیین صفات و اسماء خداوند)، اشاراتی بیان نموده است. در مقام عمل، قابلیت درک معنویت و تجلی حضور صفات خداوند در معماری آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته و در خلق آثار معماری کمتر بدان توجه شده است.

صفات جمال و جلال، اصطلاحی در علم کلام و عرفان برای تقسیم‌بندی صفات خداوند است. در علم کلام، این دو اصطلاح معادل صفات ثبوتی و سلبی هستند. صفات جمال (صفات ثبوتی)، صفاتی هستند که بر وجود کمالی در خداوند دلالت می‌کنند؛ مانند عالم، قادر، خالق، رازق و صفات جلال (صفات سلبی)، صفاتی هستند که بر سلب نقضی از خداوند دلالت می‌کنند؛ مانند غنی، واحد و قدوس (خسرو پناه و دیگران، ۱۹۶: ۱۳۷۷). در عرفان نظری، اسماء جلال، از عظمت و کبریایی حق تعالی حکایت می‌کنند و باعث خفای او می‌شوند یا آن‌که موجب منع نعمتی یا کمالی در خلق‌اند، نظیر متکبر، عزیز، قهار، منتقم و در عرفان عملی بر اسمائی دلالت می‌کنند که تجلی آن‌ها باعث قبض و هیبت سالک می‌شود. اسماء جمال در عرفان نظری اسمائی است که باعث ظهور حق و اعطای کمالی از کمالات و نعمتی از نعمت‌ها بر خلق می‌شوند، نظیر رحیم، رزاق، لطیف و در عرفان عملی بر اسمائی اطلاق می‌شوند که تجلی آن‌ها مایه انس و سرور سالک می‌شود (اصطلاحات تصوف، ۹۵).

صفت ذاتی، به لحاظ یکی از کمالات خداوند، از ذات الهی انتزاع می‌گردد و بر آن حمل می‌شود؛ به طور مثال، یکی از کمالات الهی توانایی او بر انجام هر کاری است؛ ذهن با توجه به این کمال وجودی، مفهوم «قدرت» را انتزاع می‌کند و آن را به ذات واجب‌الوجود نسبت می‌دهد (کلینی، ۸۶). از سویی دیگر صفت فعلی، مفهومی است

که از وجود رابطه خاص بین ذات الهی و موجودی دیگر گرفته می‌شود؛ مثلاً خداوند رابطه‌ی ابداعی خاص با موجودات دیگر دارد و آن‌ها را از حالت معدومیت خارج ساخته و به آنان وجود می‌دهد، با توجه به این رابطه خاص، مفهوم «خلق» (آفریدن) را به خدا نسبت می‌دهیم و او را خالق و آفریدگار می‌نامیم.

همچنین درباره‌ی شمار اسماء خداوند به ارقام مختلفی اشاره کرده‌اند و مشهورترین این ارقام ۹۹ اسم است که بر مبنای حدیث پیامبر اکرم: «إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِثْلُ إِيَّاهُ وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ...» (التوحید، ۱۹۵)، شهرت یافته است. در پژوهش حاضر، از شش صفت خالق (صفت جمالی و ثبوتی)، غنی (صفت جلالی و سلبی)، کبیر (صفت ذاتی)، قابض، باسط و حکیم (صفات فعلی) که بیشترین ارتباط را با معمار و اثر معماری دارند، استفاده شده تا با بررسی عمیق آن بتوان در ایجاد و یا تقویت خصایل معماری و ارتقاء جایگاه آثار معماری گام برداشت.



نمودار ۱- رابطه صفات الهی با اثر هنری (مأخذ: نگارندگان).

۲- پرسش‌های تحقیق

به‌منظور خلق اثری مبتنی بر هویت معنوی، معماری به‌عنوان محصول نهایی، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟ و معمار باید از چه شاخصه‌هایی پیروی کند تا در آن مسیر هدایت شود؟

۳- فرضیه تحقیق

علاوه بر اثر معماری، خود معمار نیز به دلیل اینکه خداوند، او را صورتی از خود آفریده و در گِل او روح دمیده است؛ به‌واسطه خلیفه‌الله بودن باید متصف به اوصاف الهی و مظهر اسماء و صفات خداوندی باشد. می‌توان این صفات را با استفاده از تفاسیر معتبر از آیات



و روایت، استخراج و مورد بررسی قرارداد تا با استناد اثر معماری به این صفات، کمال و جاودانگی در آثار جاری و متجلی شود.

۴- پیشینه تحقیق

واکوی پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع پژوهش مبین آن است که پژوهش‌ها در دو حوزه قابل طبقه‌بندی است: نخست، منابع قرآنی که در زمینه اسماء‌الحسنی و صفات خداوند متعال صورت گرفته و دیگری، پژوهش‌هایی است که با محوریت هویت معنوی انجام شده است.

پژوهش مهدی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۷) تحت عنوان «اولویت‌بندی و تفحصی بر اصول و ارزش‌های معماری ایرانی دوره اسلامی؛ مبتنی بر تجلی معنا در عناصر کالبدی معماری» که با استعانت از آیه ۲۳ سوره مبارکه حشر و تطبیق آن با اصول معماری انجام شده است و نیز پژوهش دیگری از همین نویسنده (۱۳۹۵) با عنوان «جستاری بر ویژگی‌های معماری ایرانی-اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری» که به بررسی جایگاه هنر و معماری قدسی پرداخته و زمینه‌های تجلی آن را تبیین می‌کند، در زمره تازه‌ترین پژوهش‌هایی است که در این حوزه انجام شده است؛ همچنین می‌توان به پژوهش «جلوه‌های رمز اسم اعظم الله در صور توحیدی آثار هنر و معماری اسلامی» که نسبت رمز و صور رمزی حقایق اسماء الهی و جلوه‌های اسم اعظم الله در صور توحیدی آثار هنر و معماری اسلامی را مورد بررسی قرار داده (اکبری، ۱۳۹۵)، اشاره نمود.

ذوالفقارزاده (۳۰:۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «معمار در آیین اسماء» معتقد است، معمار دارنده جمیع اسماء جمالی و جلالی است که در فطرتش نهادینه شده است و در مقام طراح فضای زیست، قدرت اختیار و انتخاب بر طراحی خود دارد- که آن را یا در جهت استغنا و استعلائی جامعه پیش ببرد یا به سمت سقوط و اضمحلال سوق دهد. همچنین بیان می‌کند، معمار تنها با رهنمود وحی و انسان کامل است که می‌تواند طرح استعلائی را برای توسعه و تکامل جامعه به منصب ظهور رساند.

لطیفی و دانشجو (۵:۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «آفرینش اثر معماری در نگاه به خلقت جهان آفرینش از

دیدگاه قرآن»، در پی شناخت اصول و مبانی آفرینش طبیعت از منظر قرآن کریم برای ایجاد نقشه راهی در جهت آفرینش و خلق آثار هنری و معماری بوده‌اند. نتایج این پژوهش مبین آن است که روح و جوهر عالم وجود مبتنی بر قدر و متکی بر هندسه است و چون خالق هستی در آفرینش موجودات و ابداع مخلوقات، الگویی تماماً هندسی بر طبیعت حاکم نموده، بنابراین طبیعت بزرگ‌ترین معلم انسان است و معمار و هنرمند در مقام جانشین خالق هستی می‌بایستی کلیات صفات و کیفیات آن را در آثار خود متجلی سازند.

«بررسی هویت معنوی مبتنی بر صفات طراحی محصول» موضوعی است که در پژوهش قدوسی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۴) بررسی شده و در آن، نیاز فطری انسان در جهت پرورش معنوی در طراحی و تجلی این مفهوم در محصولات صنعتی، مورد تأکید قرار گرفته است. پژوهشگران این اثر معتقدند که وجود صفاتی از صفات الهی در محصول می‌تواند به آن هویت معنوی ببخشد؛ به‌گونه‌ای که این هویت برای کاربران نیز تداعی خواهد شد. علی‌رغم پیشینه غنی ارتباط معمار و معماری در حرکت به سوی هویت معنوی، پژوهش عمیقی در حوزه بررسی اسماء الهی با تکیه بر تفاسیر معتبر و مصادیق معماری مرتبط در جهت استخراج سازوکارهای معماری قدسی، صورت نگرفته است و پژوهش‌های پیشین عمدتاً از دیدگاه نظری به موضوع پرداخته‌اند. ارتباط میان این مفهوم و نمود آن در معماری، موضوعی است که این پژوهش بر آن متمرکز شده و تلاش نموده تا از میان جمیع اسماء الهی، شش صفت که دارای بیشترین ارتباط مفهومی و محتوایی با معماری است، انتخاب و مورد بررسی قرار گیرد.

۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر در حوزه تحقیقات کیفی قرار دارد که با روش هرمنوتیک و تأویلی سعی در استخراج مفاهیم و معانی مرتبط با معماری از منظر قرآنی دارد؛ البته تفاوت بنیادین روش موجود با نگاه هرمنوتیک غالب، مبانی این روش است که برخلاف هرمنوتیک رایج که بر اصل و جوهره عوامل و نام‌ها با تکیه بر تحلیل‌های ذهنی بریده از عالم ماوراء تکیه می‌کند، بر منبع وحی بنیان نهاده می‌شود. در پژوهش حاضر، نگاه دینی و قرآنی غالب



«اگر هنر را تجلی کمال و زیبایی بدانیم، کار هنری از ستایش فطری روح هنرمند (و طراح) در برابر حقیقت، منشأ می‌گیرد و هنر (و اثر معماری) هم خود ستایشگر است و هم ستایش دیگران را برمی‌انگیزاند» (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۰: ۲۶)؛ با عنایت به موارد فوق می‌توان اذعان داشت که در کالبد معماری، اگر معماری زیباست به تبع روح زیبای معمار و اخلاق توأم با معنویت معمار است که نتیجه کار او زیبا و سرشار از هنر قدسی می‌گردد (مهدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۶).

امام علی (ع) نیز در این رابطه می‌فرماید: هر ظاهری؛ باطنی متناسب با خود دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴) و از آنجاکه هنر اسلامی از زبان قرآن نشأت گرفته بنابراین بسیاری از ویژگی‌های آن، فراتر از جهان ظواهر است و به سوی جهان آخرت توجه دارد (مهدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۸)؛ و از آنجاکه دلالت صورت بر محتوا به معنی آن است که هر یک از این دو، عنصر نمود و ترجمانی از دیگری است که ارتباط لاینفکی نیز دارند، از این رو با یک تبیین جامع، معماری اسلامی را پرتو و انعکاس قدرت حکیمانه، در ساختار زیستی انسان می‌بینیم که متناسب با نیاز مادی، روحی و در جت کمال آن‌ها آورده شده است (مهدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۹).

از آنجاکه خدا جهان را آفریده، خلقت با دوباره آفریدن جهان از راه تخیل، بنا بر اعتقادات خاص خود بازآفرینی خدایش را بازمی‌یابد. حدیث قدسی «كُنْتُ كُنْزًا مَخْفِيًا فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكِي أُعْرَفَ» اشاره به دلیل و چگونگی آفرینش دارد؛ بنابراین هنر و معماری مظهر فعلیت این اعتقادات در جهان قبل از مرگ است و محرک آن تخیل خلاق است. معماری محل مکان شدن و عبور از زمان فانی به مکان باقی است (مددپور، ۱۳۷۷). انسان در معماری جهان خود را می‌سازد و به دنیای خود شکل می‌دهد. جهان یک اثر معماری همان ساخته شدن بر زمینه زمینی و محل ظهور و میزان تجلی معرفت انسان در حرکت به سوی مبدأ است. اثر معماری میعادگاهی است که در آن عنصر ماوراء محسوس و عنصر محسوس در منزلگه واحدی هم‌نشین می‌شوند. در اینجا است که معماری نمایش این جهانی، آن جهان می‌شود. ساختن جهان و شکل گرفتن دو منش اصلی معماری است. همچنان که خلقت مظهر تجلی الهی

است و مبنا و اصل رجوع به واژگان بر اساس بازخوانی سلسله مراتب معانی و بطن‌های پنهانی قرآن است. در نحوه رجوع به آیات قرآنی نیز از تفاسیر قرآن بهره گرفته شده است.

۶- مبانی نظری

۶-۱. حقیقت معمار در جهان بینی اسلامی

«معماری اسلامی یک‌شکل مقدس برای انتقال پیام الهی است که ریشه در روحانیت دارد و فراتر از مکان و زمان است، شخصیت واقعی و هویت معمار تنها زمانی آشکار می‌شود که او نقش معنوی خود را به‌عنوان یک هنرمند مسلمان به موفقیت برساند» (Nasrollahi, 2015: 98). همچنین مبتنی بر آموزه‌های اسلامی انسان صورتی از خدا و جانشین او در زمین است (فاطر: ۳۹) و با یک مقایسه ساده می‌توان دریافت که اعمال انسان می‌بایستی به صفات فعل الهی متصف باشند؛ و در جهت متجلی ساختن چنین صفاتی شکل بگیرند؛ تا شرط امانت‌داری در خلافت رعایت گردد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲).

از منظر فرهنگ اسلامی، آثار معماری مانند سایر هنرها و ساخته‌های بشری، باید علاوه بر کالبد ظاهری خویش واجد ساخت‌های اصیل حقیقی و معنوی نیز باشند و در پاسخ به نیازهای معنوی و مادی، یعنی هماهنگ با جنبه‌های روحانی حیات وی طراحی و ساخته شوند و به این ترتیب است که بنا واجد کالبدی می‌شود که روح آن تجلی روح فرهنگ و جهان بینی جامعه است. به تعبیری، خداوند، انسان و جهان را با اسماء صورتگری کرده و با دمیدن روح خویش در کالبد انسان^۱ در بین همه مخلوقات عالم، او را مظهر صورت الهی قرار داده است، بنابراین اسمای الهی را در مخلوقات گوناگون تجلی کرد و از طرفی این خلیفه الهی است که در آئینه‌های اسما و صفات به ظهور رسید و او از بزرگ‌ترین شئون الهیه است. از آنجایی که معماری توانایی تجسم کالبد بخشیدن به همه مفاهیم را دارد، معمار مخلوق مصداق و جلوه‌ای از معمار هستی است و آثار او در مرتبه عرضی، مصداق و جلوه‌ای از معماری هستی است؛ بنابراین «نمی‌توان اثری خلق کرد که هیچ مفهومی را القا نکند هر چه تعداد اسماء و صفات متبلور شده بیشتر باشد آن اثر ماندگارتر است»^۲ (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۰: ۱۵) و



است و آینه‌ای است که خدا خود را در آن به صفات جلال و جمال مشاهده می‌کند، معماری نیز مظهر انسانی است که بنا بر اعتقادات خویش جهانی تازه خلق می‌کند. ابزار این آفرینش تخیل خلاق است. تخیل خلاق، به‌عنوان علت فاعلی، اندامی است که از راه آن به‌نوعی جغرافیای مکاشفه‌ای پی می‌بریم که برج‌ها کوهستان‌های جادویی و رودخانه‌های خود را دارد (احمدی، ۱۳۷۸ و مدد پور، ۱۳۷۷).

۶-۲. خلق اثر معماری از منظر قرآن

هدف از حیات انسان، شکوفایی کمال نهفته در وجودش برای دستیابی به جهان حقیقت است (مؤمن: ۳۹) و این زمین به‌عنوان وسیله‌ای جهت صلاحیت یافتن انسان برای آمادگی به حیات جاوید است (بقره: ۳۶)، بنابراین هدف از آفرینش انسان (معمار) در این جهان؛ رسیدن کمال و اتصال به حقیقت (مشرق الانوار) است. این هدف در زندگی و معماری او تجلی پیدا کرده و بیش از آنکه مکانی برای زندگی او باشد؛ هدف آن خلق فضایی جهت برقراری ارتباط با مقصود است (مهدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۳).

«معمار با تقرب و تعبد به معمار هستی می‌تواند به مقامی برسد که اسمای الهی خود را ترسیم کند»^۳ (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۰: ۲۹) و «بیشترین ارزش وجودی انسان خلق کردن است؛ او با درک و شناخت هنر الهی آثار خود را در کره خاکی پیاده می‌کند» (Dogan, 2014: ۱۵۸).

«اولین و بزرگ‌ترین معلم انسان‌ها طبیعت (یا خدا) است تا آنجا که ریشه در تمامی اختراعات بشری را می‌توان در آن یافت. طبیعت سیستمی از فرم‌ها و روش‌های به وجود آوردن را خلق می‌کند که به‌طور مستقیم قابل تطبیق در هنر است. با نگاهی به نحوه آفرینش جهان هستی و طبیعت به‌عنوان کامل‌ترین مجموعه‌های هستی، از منظر قرآن کریم، می‌توان مسیری روشن در خلق اثر معماری به دست آورد؛ زیرا که پایه و اساس شکل‌گیری جهان را قدر و هندسه می‌سازد» (لطیفی و دانشجو، ۱۳۹۵: ۶)؛ از طرفی در اندیشه‌ی حکمای مسلمان کل عالم خلقت در نظامی هندسی نگریسته می‌شود؛ این نوع فهم از عالم، علاوه بر استواری بر نظام استنباط عقلی، ریشه در آیات و روایات قرآنی دارد:

واژه‌ی «اندازه» پارسی - در تازی به کلمه «هندسه» تعریف شده است - یعنی هندسه همان اندازه است؛ بنابراین از دید بسیاری از حکمای قدیم، هر پدیده‌ای در عالم که با اندازه مرتبط است، با هندسه دارای نسبت است؛ و هر چیزی (قبل از خلق و ایجاد) نیازمند هندسه است (طوسی، ۱۳۷۴: ۱۴۴ و ۱۴۳). چنانچه می‌فرماید: «که ما هر چیزی را با اندازه‌گیری قبلی آفریدیم» (طباطبایی (علامه)، ۱۳۷۴)؛ و یا «پروردگاری که هر چیزی را دارای حدود و اندازه‌ای کرد به‌طوری که برای رسیدن به هدف نهایی از خلقتش مجهز باشد» (طباطبایی (علامه)، ۱۳۷۴). لذا اقدامات هنرمند، مقدمه و مهیاکننده شکل‌گیری صورت اثر هنری است. از این‌رو، می‌توان او را فاعل بالعرض صورت دانست. هنرمند در خلق اثر هنری خود، جسم ایجاد نمی‌کند، بلکه اغلب کمیت و مقدار ماده‌ای که در اختیار دارد را تنظیم می‌کند و میان اجزای آن با یکدیگر و آن اجزا با امور خارجی نسبتی برقرار می‌کند. به این ترتیب، او به ماده صورت می‌بخشد و در نقش خالق اثر قرار می‌گیرد.

هنر معماری وابسته به اسلام، مبتنی است بر فهم حقایق الهی و معانی واقعی قرآن کریم (برای اهل تفکر) و به‌عنوان پشتوانه فوق‌العاده ارزشمند حیات معنوی و فرصتی گران‌بها برای یادآوری حقایق الهی است (نصر، ۱۳۷۵: ۱۹) که معمار مسلمان دانسته یا ندانسته از چنین منظری و با چنین دیدگاهی به آفرینش می‌پردازد (خزایی، ۱۳۸۲: ۲۷)؛ و در نتیجه به هدف غایی در آثار معماری که در هماهنگی با ذات معنوی اندیشه اسلامی می‌باشد، دست می‌یابد و این موضوع سبب پاسخگویی به مراتب گوناگون وجود انسان و درعین حال اعتلای وجود او می‌شود (برزگر، ۱۳۸۳).

۶-۳. هویت بخشی معنوی و تجلی آن

در فرهنگ لغت معین هویت یعنی حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری وی باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات و هستی معنا می‌گردد (معین، ۱۳۸۸: ۱۲۴۶). هویت در مفهوم آن چیزی است که موضوع دارای هویت، به‌وسیله آن شناخته می‌شود (انوری، ۱۳۸۲: ۲۶۳۷). به عبارتی دیگر، مفهوم هویت بر ویژگی‌ها و خصوصیات دلالت دارد که یک عضو یا یک دسته به علت دارا بودن آن ویژگی‌ها، در بازه زمانی و



هماهنگی پیوسته مناقشاتی به دنبال داشته است؛ از جمله این که این تعریف صرفاً شامل زیبایی‌های محسوس و مادی می‌شود، نه زیبایی‌های معقول و معنوی؛ چون وجودهای بسیط مثل حق تعالی دارای اجزا نیستند تا بین اجزا تناسب و هماهنگی باشد. در دفاع از تعریف پیشین گفته شده است که حتی در وجودهای بسیط هم نوعی هماهنگی و تناسب وجود دارد؛ برای مثال در حق تعالی بین صفات گوناگونش هماهنگی هست. بین رحمانیت و رأفت خدا از یک طرف و قهاریت و جباریت خداوند از طرف دیگر هماهنگی وجود دارد (هاشم نژاد، ۱۳۸۵).

ابن سینا، زیبایی، به‌ویژه زیبایی خدا را چنین تعریف می‌کند: زیبایی خدا یعنی به‌گونه‌ای باشد که بر او ضرورت دارد؛ چنان باشد. برای مثال قدیر بودن، لطیف بودن، کریم بودن و جواد بودن بر حضرتش ضرورت دارد؛ بنابراین اگر قدیر، لطیف، کریم و جواد نبود، در واقع زیبا نبود، در جای دیگری می‌گوید: «الواجب الوجود له الجمال و البهاء المحض، وهو مبدأ جمال کل شیء و بهاء کل شیء»، یعنی واجب‌الوجود دارای زیبایی محض و حسن محض است و مبدأ و منشأ زیبایی و حسن هر چیزی است (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۳۶۸). صدر المتألهین درباره زیبایی چنین می‌گوید: «هو مبدأ کل خیر و کمال و منشأ کل حسن جمال»، یعنی حق تعالی سرچشمه هر نیکی و کمال و منشأ هر زیبایی و حسن است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۱۵)؛ سهروردی در رابطه با خلق زیبایی و هنر می‌گوید: هنرمند در سلوک و خروج خویش به‌سوی ملکوت خیال متناسب با مقامش به مقام فرّی کیانی خواهد رسید که در پرتو آن می‌تواند صور معلقه زیبایی را به اراده خود با استفاده از انوار عالم نور بسازد.

به‌عبارتی‌دیگر به مقام «کُن» نائل می‌شود (سهروردی، ۱۳۷۵: ۲۴۱ و ۲۴۲). ملاصدرا به پشتوانه اندیشه‌های عرفانی خویش، زیبایی‌های عالم ماده و دنیا را سایه و تمثال از حقایق عالم اعلی می‌داند و می‌گوید: اگر اهل فهم اسرار الهی باشی خواهی دانست که همه کمالات این عالم ادنی در حقیقت سایه و تمثالی هستند از آنچه در عالم اعلی وجود دارد که نزول پیدا کرده، بعد از آنکه در عالم اعلی بدون نقص و کدورت و خلل و آفت و کم و کاستی بود. بلکه حتی همه صور موجودات آثار و انوار وجود حقیقی و نور قیومی هستند که همان منشأ جمال

مکانی مشخص، از سایرین متمایز گردد (مظفر و دیگران، ۱۳۹۵). هویت یعنی «آنچه چیزی هست» و طراحی یعنی «آنچه می‌خواهد چیزی باشد» (Borjade Mostaza, 2003:15). هویت یک شیء، عملکردی همانند علائم و نشانه‌هایی دارد که تجسم‌ها و تصورات و شناخت ذهنی و اکتسابی انسان را در مورد آن شیء در ذهن بیننده بیدار می‌کند (ندایی فرد، ۱۳۸۶: ۹۳). «هویت معنوی چیزی جز تجلی آن باور ماورایی که ماهیت رفتاری و بینشی افراد را شکل و فرمی خدایی می‌دهد، نیست که تنها در سایه ایمان به غیب و غنای روحی افرادی حاصل می‌گردد که بر این باورند، زیستن، مردن و تمامی اعمالشان از آن یگانه آفریدگاری است که بازگشت همه به‌سوی اوست» (احمدی و صادقی، ۱۳۸۹: ۱۰۷)؛ بنابراین هویت معنوی با باور انسان درآمیخته و می‌توان گفت زمانی یک محصول دارای هویت معنوی است که انسان در تعامل با آن، به یاد حضور خداوند بیفتد و احساس معنوی در او بیدار شود (قدوسی نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۵). تجلی نیز، به معنای ظاهر و منکشف شدن است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۳) و به معنای نمایان شدن و هویدایی آمده است (معین، ۱۳۸۸: ۷۶۴). از طرفی واژه «تجلی» دارای معانی پیچیده‌ای در زمینه عرفان و سلوک است. در هنر اسلامی هم تحقیقات گسترده‌ای راجع به آن صورت گرفته است. در این پژوهش مراد از هویت معنوی، قرب به کمال در طراحی معماری و تجلی حضور خداوند برای مخاطبین است. از طرفی هنر معماری یکی از دستاوردهای جامعه است که به‌صورت عینی ظهور می‌یابد و امروزه به‌عنوان مصداق اصلی هویت، مطرح می‌گردد (تقوائی، ۱۳۹۱).

۴-۶. دیدگاه صاحب‌نظران هنر اسلامی در

دوره سنتی و معاصر

الف) دیدگاه سنتی:

در تعاریف استنباط شده از متون هنر اسلامی بر روی واژه زیبایی و زیبا آفرینی تأکید شده؛ لذا ضرورت دارد دیدگاه فیلسوفان اسلامی در این راستا بیان گردد؛ از نظر ابن سینا سه مورد در مقوله‌ی زیبایی جای می‌گیرد: ۱. داشتن نظم؛ ۲. داشتن تألیف؛ ۳. داشتن اعتدال که نتیجه این سه، حصول تناسب و هارمونی است (ابن سینا، ۱۹۵۳: ۱۷). تعریف زیبایی به‌تناسب و



مطلق و جلال اتم است که همه صورت‌های زیبا و همه زیبایی‌های جسمانی و روحانی نسبت به آن جمال مطلق مانند قطره‌ای به دریا هستند و ذره‌ای هستند در برابر خورشید عظمت آن و اگر انوار و پرتوهای آن جمال مطلق در صورت موجودات ظاهر مادی آشکار نبود، رسیدن به نورالانواری که همان وجود مطلق الهی است، میسر نبود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۷۷).

ب) دیدگاه معاصر:

از نظر استاد مطهری، منشأ تمام زیبایی‌ها، زیبایی‌های طبیعی یا زیبایی‌هایی که توسط انسان آفریده می‌شود و او آن را هنر می‌نامد، خدا است؛ وی هنر را محصول و منعکس‌کننده درونیات و روح هنرمند می‌داند. اگر هنرمند درونی پاک و مطهر داشته باشد هنر او نیز پاک و مطهر خواهد بود. وی زیبایی‌ها را به زیبایی‌های محسوس، معقول و معنوی تقسیم می‌کند و این نوع تقسیم‌بندی را از قرآن اخذ می‌کند. او به مصداق آیات شریفه ۶ سوره نحل و آیه ۷ سوره حجرات، زیبایی‌های طبیعی را به‌مثابه زیبایی‌های محسوس و ملکات اخلاقی (مانند صبر جمیل، عفو جمیل) و هجرت زیبا را به‌عنوان زیبایی‌های معقول قلمداد کرده است (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۰۳ و ۳۰۵). از نظر بورکهارت، هنر اسلامی دارای ماده و صورت است و منظور از صورت همان معنا، محتوا است؛ از طرفی خاستگاه و ریشه هنر اسلامی از وحی و آموزه‌های قرآنی است و همان‌طور که صورت قوام‌بخش ماده است، عناصر وحیانی، قوام‌بخش هنر اسلامی است. (Nasr, ۱۴۶: ۱۹۹۹)؛ بنابراین زیبایی‌های مادی، جملگی تجلی زیبایی‌های باری‌تعالی است و ضرورت دارد معمار و اثر او به‌عنوان منبع تجلی این زیبایی، در مسیری رو به کمال گام بردارد.

۷- مطالعات و بررسی‌ها (تبیین و تشریح

صفات الهی)

۷-۱. خالق

خالق از ریشه خَلَق گرفته‌شده است و از مشتقات آن می‌توان به خلاق اشاره کرد. «خالق» از ماده خلق در اصل به معنی «اندازه‌گیری مستقیم» و «ایجاد و ابداع بی‌سابقه» است.^۴ در اینجا اشاره به مهم‌ترین و عالی‌ترین مخلوق خدا یعنی نوع انسان شده، آن‌هم در مرحله

دمیدن روح و به همین جهت خداوند به‌عنوان بهترین خلق‌کنندگان توصیف شده است.

باید توجه داشت، وصف «خالقیت» یا «خالقیت»، گسترده‌ترین صفات فعل است که تمام جهان هستی را در برمی‌گیرد و مظهر آن آسمان و زمین و عالم ماده و ماوراء ماده است. خالقیت خداوند بزرگ‌ترین نشانه هستی اوست؛ چراکه هر جا قدم می‌نهیم، نمونه‌های خلقت و آفرینش او را که نشانه‌های وجود او هستند می‌بینیم؛ و از آنجاکه هر یک از صفات الهی پیامی برای انسان‌ها دارد و «این صفات به انسان می‌گوید، دلیل وجود تو آثار وجودی توست، ابداع و آفرینش آثار علمی، اجتماعی و مانند آن و اگر اثری از خود نگذاشتی هیچ شباهتی با آن ذات بی‌مثال نداری و تخلق به اخلاق او نیافته‌ای و راهی به‌سوی او نبرده‌ای، بکوش تو هم آثاری بیافرین و نقشی بیفکن! و پرتویی از این صفت بارز الهی در خود داشته باش».^۵

لذا به دلیل اینکه خداوند متعال انسان را بر صورت خود آفریده و در گل او روح دمیده است، به‌واسطه خلیفه‌الله بودن باید متصف به اوصاف پروردگار و مظهر اسماء و صفات خداوندی در زمین باشد. خداوند متعال در مورد خالقیت می‌فرماید که برترین موجود خلقت یعنی انسان را از یکی از پست‌ترین عوامل یعنی خاک، خلق کرده است؛ آن‌هم به‌گونه‌ای که پس‌ازاین خلق، خود را تمجید می‌نماید و معمار که به عبارتی، خلیفه‌الله هست، باید با توجه به ویژگی‌هایی که خداوند متعال در رابطه با شاخصه‌های معمار و نحوه معماری کردن (هویت بخشیدن) برای او قرار داده، تلاش نماید تا خود و عمل خود را به این صفات و شاخصه‌ها نزدیک‌تر نماید. از واکاوی آیات، این مفهوم استنباط می‌شود که معمار با مدد از خلاقیت، می‌تواند با کمترین امکانات و منابع و ارزان‌ترین مصالح، آثار بی‌نظیری خلق نماید. بر اثبات این ادعا می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد که معماران، گاهی با بهره‌گیری از مصالح ارزان و ظرفیت‌های بومی که در نتیجه قناعت توأم با خلاقیت حاصل شده است، به خلق آثار فاخر و ایده‌های نو همت گمارده‌اند که تحسین همگان را برانگیخته است؛ چالشی که معماری امروزه با آن دست‌به‌گریبان است. گاه معمار برای پوشاندن ضعف خود در خلاقیت و بداعت در ایده،



مرتبط با صفت خلق استنتاج نمود این است که همان‌گونه که خداوند با دمیدن روح خلاق خود در جسم بی‌جان، آدمی را هستی می‌بخشد؛ انسان نیز در مقام جانشین وی با دمیدن روح خلاق خود در کالبد مواد خام و بی‌جان به آن‌ها زندگی می‌بخشد و بدین‌سان هنر از انسان زاییده می‌شود. از سویی آفرینش، همواره به‌صورت فرآیندی چندمرحله‌ای انجام‌پذیر است؛ به‌گونه‌ای که در تمامی مراحل آفرینش، همواره عناصر متضاد در کنار یکدیگر قرار گرفته و نقش مکملی دارند (فرکتال). بر این اساس، در واقع نوعی تنوع است که همگی از یک سرچشمه جاری‌شده و باهم به کمال می‌رسند. به عبارتی، می‌توان چنین بیان نمود که در آفرینش، ذات حق با تشابه، پیوستگی را نمایان ساخته و با تنزیه، هویت معنوی و شخصیت را به پدیده‌ها عطا نموده است.

روی به استفاده از مصالحی آورده که نه‌تنها صرفه اقتصادی نداشته که پایدار هم نیست. بهره‌گیری از مصالح گران، پرزرق‌وبرق و تکیه بر فناوری‌های غیربومی، در راستای پوشش دادن به ضعف‌های معماری که خالق اثر باید از درون آن را پرمایه بسازد، مصداق بارزی بر این سخن است. نکته‌ای که در اینجا مطرح است، آن است که خداوند در کنار صفت خلاق، خود را علیم نیز معرفی نموده است؛ یعنی خلاقیتی موردنظر خداوند است که همراه با علم و درایت باشد و این علم، انسان را از دادن ایده‌هایی که عملی نیستند و یا توجیه اقتصادی و کارکردی ندارند (حاوی پیام نیستند)؛ منع می‌کند. این بیان خاص از خلاقیت، خط بطلانی است بر خلاقیت‌های غیرکاربردی و پافشاری بر اندیشه‌هایی است که هنر را صرفاً برای هنر می‌خواند (فاقد پیام جمعی و خیر کثیر). نکته دیگری که می‌توان از آیات

جدول ۱- از تفسیر تا مصداق معماری صفت خلق (مأخذ: نگارندگان).

صفت	معنا و مفهوم صفت در آیات منتخب	ویژگی استنباطی در آثار معماری	مصداق عینی
خلق	<p>- در آیه ۱۶ سوره مبارکه رعد، آمده است که خداوند ناظر به آفرینش همه موجودات جهان است (پیام قرآن، ج ۴).</p> <p>- در آیه ۷۱ سوره ص، به آفرینش انسان به‌عنوان برترین نوع خلقت از پست‌ترین عنصر یعنی خاک اشاره شده است (همان) و این بدان معنا است که خداوند از ساده‌ترین چیز، مهم‌ترین را می‌سازد.</p> <p>- در آیه ۸۶ سوره حجر، به آفرینش وسیع و گوناگون الهی اشاره شده است (همان). لذا تنوع در آن نامحدود است.</p> <p>- در آیه ۱۴ سوره مؤمنون، مراد از «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»، خالقیت دائمی خداوند و هماهنگ با نظام هستی و عدم تقلید در خلقت است (تفسیر نور، ج ۶).</p>	<p>- قناعت در کنار خلاقیت کاربردی.</p> <p>- دقت و ظرافت در طراحی.</p> <p>- نوآوری در طراحی.</p> <p>- تمرکز و وحدت در اثر.</p>	<p>از مصادیق معماری این صفت می‌توان به خانه کعبه اشاره نمود. از ویژگی‌های این بنا می‌توان به ایجاد حس معنویت در مخاطب و نظم و هماهنگی در اثر (به‌واسطه برابر بودن تقریبی سه بعد درازا، پهنا و بلندا و وجود زوایا و یال‌های قائم و وجوه متشابه) و درعین‌حال تمرکز، وحدت، تعادل، توازن و آرامش آن اشاره کرد. لذا از هر حیث که به این بنا نگریسته شود، می‌توان به نمونه‌ای کاملی از معماری استعلایی دست‌یافت که این موضوع از علل اصلی ماندگاری این اثر نیز می‌باشد.</p>



تصویر ۱- خانه کعبه.

کبیر و صغیر از اسم‌های متضایف می‌باشند و به هنگام مقایسه دو چیز با یکدیگر به کار می‌روند؛ از طرفی کوچکی و بزرگی گاه در حجم و گاه در عدد بکار می‌رود و همچنین این واژه درباره امور غیر محسوسی که از منزلت و رفعت برخوردارند نیز به‌کاررفته است.^۷

۲-۷. کبیر

اسم جلاله «کبیر» در قرآن ۳۶ بار آمده و در ۶ حالت توصیف‌شده و گاهی با اسم «متعال» و در برخی موارد با اسم «العلی» همراه می‌باشد.^۶



اصول و نکات دیگری در نشان دادن شکوه و بزرگی آن به کار برد. مشکلی که متأسفانه در معماری امروز وجود دارد آن است که کثرت تعداد طبقات و سطح اشغال بیشتر آثار، صرفاً به جهت خودنمایی و نشان دادن شکوه و بزرگی آثار، بدون درک درست هویت معنوی آن است، به طوری که در بین برخی کشورها این موضوع حاکی از برتری و قدرت قلمداد شده و این نشان از عدم بینش کافی نسبت به معیار بزرگی و شکوه و مصنوعات می‌باشد.

از این که لفظ «کبیر» همراه با «متعال» و «علی» وارد شده، بدان معنا است که منظور از بزرگی، مسئله حجم و تعداد نیست، بلکه مقصود آن، منزلت و کمال وجودی است و به خاطر همین رفعت منزلت است که خدا داور را به خود اختصاص داده و علت آن را «علی» و «کبیر» بودن خود می‌داند،^۸ که در قرآن به آن اشاره مستقیم شده است.^۹ با بررسی آیات مربوط به این بخش و معنا و مفهوم کبیر می‌توان این گونه استنتاج نمود که برای نشان دادن شکوه و بزرگی یک اثر معماری، الزامی به بزرگ ساختن اثر از منظر ابعاد نیست، بلکه باید با

جدول ۲- از تفسیر تا مصداق معماری صفت کبیر (مأخذ: نگارندگان).

صفت	معنا و مفهوم صفت در آیات منتخب	ویژگی استنباطی در آثار معماری	مصداق عینی
کبیر	<p>آیه ۶ سوره رعد، به این موضوع اشاره دارد که خداوند بزرگ و متعالی است و مسلط بر همه چیز «الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى» و به همین دلیل در همه جا حضور دارد و چیزی از دیدگان علم او پنهان نیست (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۶۷)؛ که اشاره مستقیمی به درک درست از توسعه بخشی بنا دارد.</p> <p>در بخشی از آیه ۶۲ سوره حج، نیز به «الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» اشاره دارد (تفسیر نور، ج ۶). لذا با توجه به این دو آیه که پیش تر نیز توضیح داده شد، منظور از بزرگی، مسئله حجم و تعداد نیست، بلکه منزلت و کمال وجودی است.</p>	<p>منزلت و کمال وجودی اثر.</p> <p>درک درست از توسعه بخشی بنا</p>	<p>از مصداق معماری این صفت می‌توان به مسجد جامع اصفهان اشاره نمود. ستون‌های آجری، طاق و چشمه‌ها و شبستان ۴ ایوانی و نماد و نشانه‌ها، مسجد را علاوه بر یک مکان مذهبی، به ظرفیتی فراکالبدی تبدیل نموده که روح بنا را به عنوان جوهره اصلی ارتباط کالبد با فراکالبد متجلی می‌کند؛ همچنین در معماری این مسجد، قاعده و ته رنگ کلی بنا، چهارگوش است که متضمن استحکام، استقرار، ایستایی و کمال جویی و نمود زمین است و آسمانه مدور آن مصداق و نماد تعالی، قداست، منزلت و پر کشیدن در عوالم بالا است (حق طلب و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۲).</p>



تصویر ۲- مسجد جامع اصفهان (ماز بالا بایم و بالا می رویم).

۳-۷. غنی:

اسم «غنی» در قرآن، ۲۰ بار آمده و در ۱۸ حالت، مورد وصف قرار گرفته است و با اسمائی همچون «حمید، حلیم، کریم» همراه می‌باشد.^{۱۰} با توجه به آیاتی که در این زمینه آمده است و بحث خلیفه‌الله بودن انسان و اینکه انسان نیز می‌تواند تا حدودی به غنای ظاهری برسد می‌توان این گونه استنتاج نمود که اثر انسان نیز می‌تواند به سمت غنا متمایل شود؛ البته نه غنای مطلق، بلکه غنای نسبی. این موضوع در معماری می‌تواند به صورت ساختمان‌هایی مطرح شود که خود با تأمین نیاز

خود از قبیل انرژی برق، انرژی سرمایشی و گرمایشی و... نسبت به محیط خارجی خود تا حدودی بی‌نیاز می‌سازند (ساختمان‌های انرژی صفر و یا نزدیک به آن). نمونه این غنا را می‌توان در استفاده از پانل‌ها و یا آبگرمکن‌های خورشیدی جهت تأمین برق ساختمان به‌وضوح دید. به‌نوعی می‌توان بادگیرهای شهرهای کویری همچون یزد و کاشان را این گونه ارزیابی نمود که این بناها با استفاده از سازه‌های بادگیر از مصرف انرژی الکتریسیته برای تولید سرمایش بی‌نیازند و دارای تهویه مطبوع و گردش هوای طبیعی می‌باشند.



جدول ۳- از تفسیر تا مصداق معماری صفت غنی (مأخذ: نگارندگان).

صفت	معنا و مفهوم صفت در آیات منتخب	ویژگی استنباطی در آثار معماری	مصداق عینی
غنی	<p>- در آیات ۲۶۷ و ۲۶۳ سوره بقره و آیه ۴۰ سوره نمل خداوند خود را بی‌نیاز و غنی معرفی کرده است؛ و این غنای الهی همراه با کمالات و محبوبیت است (تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۵)؛ که در این آیات واژه غنی به ترتیب در کنار «حمید» به معنای ستوده و «حلیم» به معنای بردبار و «کریم» به معنای بزرگواری در احسان، بکار رفته و اشاره به بی‌نیازی ذات الهی دارد.</p> <p>- در آیه ۶۴ سوره حج و آیه ۸ سوره ضحی غنا به ترتیب به دو قسم مطلق (که مختص ذات الهی است) و نسبی (مختص مخلوقات) تقسیم‌بندی می‌شود.</p>	<p>- خوداتکایی اثر.</p> <p>- توانایی در انجام وظیفه خود.</p>	<p>از مصداق معماری این صفت و هم‌راستا با موضوع پژوهش حاضر می‌توان به خانه عامری‌های کاشان اشاره نمود. این بنا دارای بادگیر چهار طرفه، سقف گنبدی شکل، زمستان نشین رو به آفتاب و تابستان نشینی با ارتفاع بلندتر است که جملگی این موارد موجب استفاده بهینه از شرایط محیطی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و غنای هر چه بیشتر اثر می‌گردد.</p>  <p>تصویر ۳- خانه عامری‌ها-کاشان.</p>

۷-۴. حکیم و مذکر

اسم حکیم ۵ مرتبه در قرآن کریم آمده است و معمولاً با صفاتی نظیر عزیز، خلاق و حکیم همراه است و افعال خداوند متعال را که دارای حکمت بالایی است، بیان می‌کند.^{۱۱} فعل ذکر ۵ مرتبه و اسم ذکر ۲۵ مرتبه در قرآن آمده و معمولاً با لفظ جلاله الله همراه بوده است.

دو گونه علم وجود دارد؛ علم بریده از حکمت و علمی که متصل با حکمت است. حکمت به‌طور کلی فهم وجود و فهم مبادی و اصول وجود است. حکیم کسی است که مبادی وجود را می‌فهمد و به مبادی کلی هستی پی می‌برد. ممکن است علم به این امور بی‌تفاوت باشد و اصلاً توجهی به این‌ها نداشته باشند. در واقع علوم جدید نسبت به این مبادی بی‌تفاوت‌اند و یا اصلاً توجهی ندارند اما حکمت الهی می‌تواند در هنر هم متجلی شود؛ یعنی هنرمند با یک اثر هنری و معماری می‌تواند این مبادی هستی و وجود را از هر حیث در هنر خودش متجلی کند. هنرمند می‌تواند در فضایی که تجسم می‌کند، نوری که در روشنایی فضا استفاده می‌کند و... این امور را متجلی سازد. می‌توان فضا را امری مادی صرف، در نظر گرفت یا می‌توان فضای معماری را بنا به اصول و مبادی حکمی بیان کرد که این‌ها باهم تفاوت بسیار دارند؛ بنابراین جدایی معماری از حکمت و یا همراه بودن

معماری با حکمت در سبک بیان معماری بسیار تفاوت دارد؛ چراکه معماری امری فردی یا شخصی نیست که هنرمند هر چیزی را که بخواهد با تخیل خود انجام دهد یعنی در واقع اصول هستی‌شناسی را باید در کار خود لحاظ کند؛ لذا هنر معنوی نیازهای انسان را برآورده می‌کند و به یک معنا می‌توان گفت که مقدس است. در معماری این موضوع که چگونه انسانی دست به طراحی می‌زند، امر مهمی است. آیا چنین انسانی هویت معنوی دارد که عالم را معنوی و الهی ببیند و یا این‌گونه نیست؛ توجه به این نکته که کارفرما چگونه انسانی است نیز نقش مهمی در خلق معماری دارد.

انسان موردنظر هنر معنوی، انسانی به معنای کامل، معنوی و الهی است؛ در واقع، هنر به نفس انسان برای رسیدن به کمال معنوی کمک می‌کند. به تعبیر دیگر، هنر یا می‌تواند بازدارنده راه کمال معنوی باشد و یا در پیمودن کمال معنوی به انسان کمک کند و این امر بسته به آن است که معمار متصل به چه مرتبه‌ای از هنر معنوی باشد و به تعبیری، به نحوه نگرش معمار با صفت حکیم و میزان تطابق عملی با آن ارتباط دارد.

با توجه به آیه ۸۰ سوره مبارکه نحل، خداوند یکی از صفات خانه را سکونت و آرامش تعریف می‌کند و در آیه



۲۸ سوره مبارکه رعد، یکی از پایه‌های مهم آرامش و اطمینان خاطر را «ذکر الله» بیان می‌کند و به این مهم اشاره می‌کند که خانه تنها زمانی می‌تواند بستری برای رسیدن به آرامش باشد که محلی برای به یادآوردن خداوند بوده و «ذکر الله» در آن تجلی یابد. از آنجایی که مطابق نص صریح قرآنی، هستی بر مدار قدر و اندازه وجود یافته و قدر و اندازه همان هندسه است؛ این‌گونه برداشت می‌گردد که هندسه و قدر، شاه‌کلید معماری ذاکرانه است؛ در نتیجه برای ساختن خانه‌ای که موجب ذکر خدا و مایه آرامش شود؛ باید ابتدا کلید و رمز آفرینش در طبیعت، کشف و استخراج‌شده و در روند

طراحی و ساخت خانه ارتباط بلاواسطه‌ای بین کالبد، طبیعت و فضای خانه برقرار نمود تا معماری خانه همچون پنجره‌ای رو به سوی آیات الهی باشد؛ بنابراین، از این منظر قرآنی، هندسه خانه‌ای که معماری آن مذکر خداوند و آیات او است، می‌تواند آرامش و سکونت انسانی را مهیا کند. از آنجایی که ذکر (یادآوری)، مقدمه‌ای برای فکر و تفکر انسان است؛ در نهایت مذکر بودن خانه، بستری برای مفکر بودن انسان را فراهم آورده و سرانجام چنین بیان می‌شود که خانه مذکر؛ خانه مسکن و مفکر و است^{۱۲} و این در صورتی ممکن است که انسان از دریچه حکمت به علم بنگرد.

جدول ۴- از تفسیر تا مصداق معماری صفت حکیم (مأخذ: نگارندگان).

صفت	معنا و مفهوم صفت در آیات منتخب	ویژگی استنباطی در آثار معماری	مصداق عینی
حکیم	<p>- در آیه ۱ سوره جمعه، نخست به الملک القدوس یعنی «مالکیت و حاکمیت» و سپس به العزیز الحکیم یعنی «منزه بودن او از هرگونه ظلم و ستم و نقص» تأکید می‌کند، زیرا با توجه به مظالم بی‌حساب ملوک و شاهان واژه «ملک» تداعی معانی نامقدس می‌کند که با کلمه «قدوس» همه شستشو می‌شود (تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۷۸).</p> <p>- بنابراین «العزیز الحکیم» به معنای قدرتی است که همراه با حکمت باشد، خداوند هم قدرتمند و هم حکیم است؛ و در بخش دیگری از آیه به «يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» اشاره دارد که این بدان معناست که در جهان بینی الهی، هستی در حال تسبیح خداست (تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۲۱). از آنجایی که معمار و اثر او باید متصف به صفات الهی باشد تا به تکامل برسد، بنابراین باید اثرش در عین پاسخگویی به نیاز جامعه و در نظر گرفتن اصول هستی‌شناسی باید یاد و نام خدا را بر همگان زنده سازد.</p>	<p>- پاسخگو به نیاز جامعه.</p> <p>- زمینه‌ساز تعادل.</p> <p>- انتقال‌دهنده حس طراح با در نظر گرفتن هویت معنوی اثر.</p> <p>- رعایت اصول هستی‌شناسی.</p>	<p>از مصداق معماری این صفت نیز می‌توان به مسجد نصیرالملک شیراز اشاره کرد. نور و نقوش هندسی و اسلیمی از عناصری هستند که همواره در مساجد ایرانی در کنار هم به کار می‌روند و این امر در القای فضای عرفانی نقش به‌سزایی دارد. لذا در این بنا هنرمند معمار توانسته با به‌کارگیری حکیمانه نور و هندسه اثرش را همگام با حکمت الهی تجلی سازد و یاد خدا را در بنا زنده کند.</p>
			 <p>تصویر ۴- مسجد نصیرالملک شیراز</p>

در مرتبه این صفات با گرفتگی و یا گشودگی که در قلب خود احساس می‌نماید؛ نیاز به فضاهایی مختص این حالات دارد. علت این احساس امری است که منوط به شناخت دیگر اسماست و از نگاه آیینی، عمده‌ترین مفهوم بسط به معنی گستردگی تمامی صفات الهی و وجودی انسان می‌باشد.

۷-۵. قابض و باسط

اسم قبض در قرآن کریم تنها یک مرتبه آمده است.^{۱۳} قبض و بسط به‌عنوان یکی از اسمای زوجی پروردگار، معرف حالاتی در انسان است که مرتبه‌ای بالاتر از خوف و رجا بوده و در قلب انسان متجلی می‌گردد و انسان

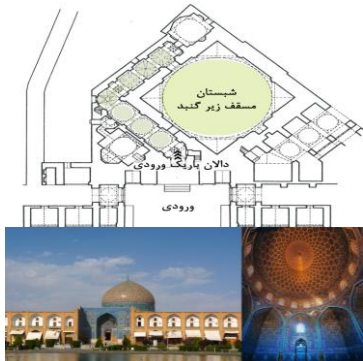


می‌توان شادی درونی و اندوه باطنی را اولین ادراک انسانی از بسط و قبض دانست که عمده‌ترین مفهوم آن‌ها را نیز شامل می‌شود. باز شدن و گشایش دل، همان بسط و گرفتن و تنگی آن همان قبض می‌باشد که در عقل انسان اندازه‌مند گردیده است. معماری نهاد پاسخگویی به نیازهای انسان است و بسط و قبض، نیاز روحی برای انسان که شاید بتوان گفت ارضای آن، وابستگی قابل توجهی به معماری دارد. توجه هم‌زمان به هر دو مقوله قبض و بسط، منجر به اعتلای کیفیت بنا شده؛ و در آن واحد، نیازهای مخاطبین متعددی را پاسخگو می‌باشد. در راستای پاسخ به هر دو نیاز بسط و قبض، باید به چند موضوع همچون فرم، شکل، جنس، موقعیت، فیزیک بنا و ارتباطات بنا توجه شایانی گردد.

قبض و بسط دو صفت از صفات مشترک بین انسان و خداست که عینیت بخشی به آن در کنار تمامی جوانب متعدد، سبب آرامش روانی انسان گردیده و یکی از مقدمات عبادت را فراهم می‌آورد. طبیعتاً انسان در بنایی که مطابق با خواست درونی اوست با آرامش و تمرکز بیشتر با خالق خود روبرو می‌گردد و از مصاحبت با ذات اقدس باری تعالی، لذت بیشتری می‌برد. قابض و باسط دو نام هستند که در جایگاه متعالی خود، تعلق به احدیت دارند اما نزول آن‌ها به مرتبه انسانی به معنی اندازه‌مند نمودن آن‌ها در چارچوب عقل بشر و ادراک انسان است. در واقع قبض و بسط، جدای از مفهوم ذاتی آن‌ها که در مقام الهی عموماً به گرفتن و یا عطای روزی اطلاق می‌شود؛ در حوزه انسانی علاوه بر مفهوم مذکور، در نماد بخشندگی است و بارزترین نقش را با استناد به کتب اسماء الحسنی، در جهت «شادی و درد» ایفا می‌نماید.

جدول ۵- از تفسیر تا مصداق معماری صفت قابض و باسط (مأخذ: نگارندگان).

صفت	معنا و مفهوم صفت در آیات منتخب	ویژگی استنباطی در آثار معماری	مصداق عینی
قابض و باسط	<p>– در آیه ۴۶ سوره فرقان، منظور از «قَبْضًا یَسِیرًا» آن است که همان گونه که آفرینش جهان به تدریج و آرامی و در شش مرحله صورت گرفته است، تغییر آن نیز به تدریج خواهد بود (تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۶۴).</p> <p>– در جای دیگر مصداق این آیه آن است که هنگامی که خورشید طلوع می‌کند تدریجاً سایه‌ها برچیده می‌شود لذا سایه‌ها نه یک‌باره ظاهر می‌گردند و نه یک‌باره برچیده می‌شوند و این خود یکی از حکمت‌های پروردگار است، چراکه اگر انتقال از نور به ظلمت و بالعکس، ناگهانی صورت می‌گرفت برای همه موجودات زیان‌آور بود.</p> <p>– در آیه ۲۹ سوره اسراء نیز، افراط و تفریط را محکوم و به میانه‌روی اشاره می‌کند.</p>	<p>– پاسخ‌دهی به نیازهای مخاطبین اثر.</p> <p>– اندازه‌مندی فیزیکی، عقلانی، رفتاری اثر.</p>	<p>از مصداق معماری صفت قابض و باسط می‌توان به مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان اشاره نمود. در این بنا هنرمند معمار با تسلط کامل بر علم هندسه، به شیوه‌ای ماهرانه اندازه و موقعیت قرارگیری اجزا بنا را نسبت به یکدیگر تنظیم نموده، به گونه‌ای که برای ورود به ساختمان می‌باید از طریق یک راهروی کم‌عرض، گردش ۴۵ درجه به سمت چپ و پس از عبور از آن، گردش ۹۰ درجه‌ای دیگر به سمت راست صورت داد تا زمینه ورود به فضای گنبدخانه، فراهم شود. لذا توجه معمار به ویژگی‌های اندازه‌مندی فیزیکی، عقلانی و رفتاری اثر که از صفت الهی قابض و باسط استنباط گردیده، موجب جاودانگی این اثر گردیده است.</p>



تصویر ۵- مسجد شیخ لطف‌الله-اصفهان.



۸- یافته‌های تحقیق

مطابق با آنچه بیان شد، معمار به‌عنوان انسان و مطابق با جدول زیر باشد تا اثر هنری وی به هویت خلیفه‌الله بر روی زمین؛ باید دارای ویژگی‌ها و خصایلی معنوی آراسته گردد و به تکامل برسد.

جدول ۶- ویژگی‌های اثر معماری از نگاه قرآن (مأخذ: نگارندگان).

صفت	نوع صفت	ویژگی‌های استنباطی در آثار معماری	مصادق معماری
خالق	جمالی و ثبوتی	- قناعت در کنار خلاقیت کاربردی. - دقت و ظرافت در طراحی. - نوآوری در طراحی. - تمرکز و وحدت در اثر.	خانه کعبه
غنی	جلالی و سلبی	- خوداتکایی اثر. - توانایی در انجام وظیفه.	خانه عامری‌ها
کبیر	ذاتی	- منزلت و کمال وجودی اثر. - درک درست از توسعه‌بخشی بنا.	مسجد جامع اصفهان
حکیم	فعلی	- پاسخگو به نیاز جامعه. - زمینه‌ساز تعادل. - انتقال‌دهنده حس طراح با در نظر گرفتن هویت معنوی اثر. - رعایت اصول هستی‌شناسی.	مسجد نصیرالملک شیراز
قابض و باسط	فعلی	- پاسخدهی به نیازهای مخاطبین اثر. - اندازه‌مندی فیزیکی، عقلانی، رفتاری اثر.	مسجد شیخ لطف‌الله

جاودانگی، تقدس و کمال اثر و به تبع آن ایجاد آرامش در مخاطبین اثر می‌گردد، زیرا که بنا بر آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» سوره رعد، آرامش نتیجه ذکر و یاد خدا است.

و اثری که در نهایت توسط معمار خلق می‌شود، به‌واسطه بهره‌مندی از جلوه‌های رمزگونه صفات خالق، تقدس معنوی می‌یابد.



نمودار ۳- تأثیر هنر معنوی از معمار تا مخاطب (مأخذ: نگارندگان).



نمودار ۲- معماری مبتنی بر هویت معنوی (مأخذ: نگارندگان).

آنچه باعث هویت بخشی معنوی در یک اثر می‌شود، توانایی معمار در کاربرد صفات الهی است که منجر به بروز معماری استعلایی می‌گردد، این موضوع باعث



۹- نتیجه تحقیق

آفرینش محصول معمار عالم است و چون انسان آفریده او است، همسو با نظام خلقت، او نیز در خلق و آفرینش قادر است. همان‌گونه که صانع هستی با دمیدن روح خلاق خود در جسم بی‌جان، آدمی را می‌آفریند، معمار نیز با دمیدن روح خلاق خود در کالبد مواد، به آن‌ها روح می‌بخشد و بدین‌سان اثری معماری- انسانی- آرمانی خلق می‌شود و نظام می‌گیرد. مطابق سؤال‌های پژوهش، چنانچه طرحی بخواهد مبتنی بر هویت معنوی طراحی شود باید بتواند ویژگی‌های الهی را در برگرد تا به کمال برسد (نمودار ۱) و هویت معنوی اثر باید در راستای ارضای نیازهای انسانی با در نظر گرفتن حفظ طبیعت و اخلاق در طراحی باشد و معمار پایبند به این اصول می‌تواند طرحی جامع و روبه کمال بیافریند و اثر خود را جاودانه سازد. درواقع آنچه باعث کمال‌یافتگی اثر معمار می‌گردد، انتساب آن به معمار عالم و توجه به وجوه عالیه آن در طراحی است؛ چراکه هر پدیده‌ای که هویت معنوی داشته باشد، مقدس هم هست (نمودار ۲ و ۳). از سویی، معماری علت ایجاد فضای اندیشه و خیال بین مخاطب و معمار است و معمار با توجه به شاخص‌های حسی، خیالی و عقلی دنیای معماری را برای مخاطب قابل شناخت و درک می‌کند، حال اگر معمار این شاخص‌ها را مبتنی بر ویژگی‌های صفات الهی نظیر قناعت و ظرافت در طراحی در کنار خلاقیت کاربردی، تمرکز و وحدت اثر، خودکفایی و توانایی در انجام وظیفه، منزلت و کمال اثر، درک درست از توسعه‌بخشی بنا، پاسخگو به نیاز جامعه، زمینه‌ساز آرامش و تعادل، انتقال‌دهنده حس طراح مبتنی بر هویت معنوی و درنهایت، رعایت اصول هستی‌شناسی، عقلانی، رفتاری و فیزیکی، در آثار برگزیند، محصول نهایی او به جاودانگی و کمال مزین خواهد شد.

پژوهش حاضر قادر نیست تا به تبیین همه صفات و ویژگی‌های خالق و اثر و ارتباط آن با معمار و معماری بپردازد. از این جهت، تلاش شده تا صفاتی موردبررسی قرار گیرند که از تطابق و تجانس بیشتری با نظام خلق در معماری برخوردار باشد. جهت تعمیق بخشیدن به این پژوهش، موضوع می‌تواند پایه‌ای باشد برای پژوهش‌های مستقل یا میان‌رشته‌ای دیگر که از منظر متخصصان

علوم انسانی و معماری، صفات الهی مرتبط با هنر معنوی احصاء شده و از این طریق زمینه‌ساز پیوند میان نظام خلق در معماری با نظام خلقت خالق باشند.

۱۰- تشکر و قدردانی

موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

۱۱- پی‌نوشت‌ها

۱. آیه ۲۹ سوره حجر «وَوَفَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي».
۲. آیه ۸۸ سوره قصص «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ».
۳. از این طریق که: «...صلاه هم قرب نوافل را دارا است و هم قرب فرایض را. در قرب نوافل خداوند سبحان فرمود: من چشم و گوش و دست و زبان عبد می‌شوم و در قرب فرایض فرمود: زبان و چشم و گوش و دست و پای عبد، زبان و چشم و گوش و دست و پای من می‌شود که لسان عبد، لسان الله می‌گردد و عین او عین الله و ید او یدالله و اگر معمار به این درجه از تقرب برسد، نه تنها چشم و گوش و دست و زبان و حرکات او (در طراحی)، بلکه آثارش نیز الهی و ماندگار شده و مصداقی از آیه کریمه «کلشی هالک الا وجهه» می‌شود.
۴. این اوصاف در آیات متعددی به کاربرده شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف- قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ: «بگو خداوند خالق همه اشیاء است» (رعد/۱۶). در اینجا ناظر به آفرینش همه موجودات جهان می‌باشد.

ب- اِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ: «من انسان را از گل می‌آفرینم» (ص/۷۱). در اینجا نظر به آفرینش انسان که گل سرسبد عالم خلقت است آن‌هم از چیز ناچیزی همچون گل می‌باشد.

ج- اِن رَّبِّكَ هُوَ الْخَالِقُ الْعَلِيمُ: «پروردگار تو بسیار خلق‌کننده آگاه است» (حجر/۸۶). در اینجا نظر به آفرینش‌های وسیع و گوناگون الهی دارد.

د- ثُمَّ اَنْشَاْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فِتْبَارِكُ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِيْنَ: «سپس به انسان آفرینش تازه‌ای دادیم، پس بزرگ و جاودان است خدایی که بهترین خلق‌کنندگان است» (مؤمنون/۱۴).



۵. ناصر مکارم شیرازی - پیام قرآن - ج ۴ - از ص ۲۸۷ تا ۲۹۴.

۶. چنان که می‌فرماید:

الف- **عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ:** «آگاه

از غیب و شهادت، بزرگ و برتر» (رعد/۹).

ب- ... **أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ:** «خدا همان برتر و

بزرگ است» (حج/۶۲) و برخی آیات دیگر.

۷. رازی، لواصیح البینات، ص ۲۱۲.

۸. سبزواری، شرح اسماء الحسنی.

۹. چنان که می‌فرماید:

... **إِنْ يُشْرِكْ بِهِ تُوْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ**

الْكَبِيرِ: «اگر به او شرک ورزند ایمان می‌آورید، حکم از

آن خدایی است که برتر و بزرگ است» (غافر/۱۲).

۱۰. چنان که می‌فرماید:

الف- **وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ:** «بدانید که خدا

بی‌نیاز و ستوده است» (بقره/۲۶۷).

ب- **قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا**

أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ: «بان خوش و گذشت، بهتر از

صدقه‌ای است که آزادی به دنبال داشته باشد خداوند

بی‌نیاز و بردبار است» (بقره/۲۶۳).

ج- **وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ:** «هرکس کفر

ورزد، (شکر نعمت را به‌جای نیاورد) پروردگار من بی‌نیاز و

بزرگواری در احسان است» (نمل/۴۰).

غنا دو قسم است:

الف- بی‌نیازی مطلق و این مخصوص خدا است،

چنان که می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ**

(حج/۶۴).

ب- بی‌نیازی نسبی، چنان که می‌فرماید: **وَوَجَدَكَ**

عَائِلًا فَأَغْنَى: «تو را فقیر یافت و بی‌نیاز کرد»

(ضحی/۸).

۱۱؛ مانند نمونه زیر:

الف- **يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ**

الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ: «آنچه در آسمان‌ها

و آنچه در زمین است، همواره تسبیح خدا می‌گویند،

خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی

مبرا و عزیز و حکیم است.» (جمعه/۱)

ب- **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ**

قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ

عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ: «مؤمنان، تنها کسانی هستند که

هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد و

هنگامی که آیات او بر آن‌ها خوانده می‌شود، ایمانشان

فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند»

(انفال/۲).

ج- **الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا**

بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: «آن‌ها کسانی هستند که

ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام)

است آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد»

(رعد/۲۸).

ه- **وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا...:** «و خدا

برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش)

قرار داد» (نحل/۸۰).

۱۲. کبیری سامانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۶۱.

۱۳. چنان که می‌فرماید:

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا: «سپس آن را آهسته

جمع می‌کنیم (و نظام سایه و آفتاب را حاکم می‌سازیم)»

(فرقان/۴۶).

و کلمه بسط یکبار به‌صورت اسم و یکبار به‌صورت

فعل در قرآن کریم آمده است:

الف- **وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا**

تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا: «هرگز

دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش

منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای تا مورد

سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی» (اسراء/۲۹).

ب- **وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ**

وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ

بَصِيرٌ: «هرگاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت

بخشد، در زمین طغیان و ستم می‌کنند از این‌رو به

مقداری که می‌خواهد (و مصلحت می‌داند) نازل می‌کند،

که نسبت به بندگانش آگاه و بیناست» (شوری/۲۷).



۱۲- منابع فارسی و لاتین

- تقوائی، حسین. ۱۳۹۱، از سبک تا هویت در معماری، هنرهای زیبا، دوره هفدهم، شماره ۲، صص ۶۵-۷۳
- https://jfaup.ut.ac.ir/article_30161.html
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
- <https://wikinoor.ir/%D8%AA%D9>
- سعیدی مهر، محمد. ۱۳۷۷. کلام اسلامی. قم: موسسه فرهنگی طه. ج ۱. ص. ۱۹۶.
- <https://www.gisoom.com/book/11158261>
- خزایی، محمد. ۱۳۸۲. مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی. انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- <https://www.gisoom.com/book/1264165>
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۳. لغت‌نامه. جلد چهارم. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: ۴۳-۴۴.
- <http://parsidownload.ir/26710>
- ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۹۰. معمار در آیینه اسماء. صفه. شماره ۲۱ (۵۳). ۱۵-۳۰.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=160313>
- فخر رازی، محمد بن عمر. شرح اسماء‌الحسنی (لوامع الیّنات). قاهره - مصر: انتشارات مکتبه الکلیات الازهریه. ص ۲۱۲.
- <https://wikinoor.ir/%D8%B4%D8>
- سبزواری، ملا هادی. ۱۳۹۰. شرح اسماء‌الحسنی (شرح دعای جوشن کبیر). ترجمه علی شیخ‌الاسلامی. انتشارات نوید اسلام.
- <https://www.gisoom.com/book/1856282>
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی بن حبش. ۱۳۷۵. مجموعه مصنفات. مجله ۲. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. چاپ دوم.
- <https://www.noorshop.ir/fa/book/1716>
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۹۸۱ م. الحکمۃ المتعالیه فی الأسفار الأربعة. ترجمه و تصحیح: محمد خواجه‌وی. بیروت: دار احیاء التراث. (۲) ۷۷.
- <http://lib.eshia.ir/71465/1/0>
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۰. اسرار الآیات. تهران: انجمن حکمت و فلسفه. بی‌تا.
- <https://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Image/19701>
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین. ۱۳۷۴. آغاز و انجام. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۴۳-۱۴۴.
- <http://lib.eshia.ir/71436/1/0>
- قرآن کریم.
- اکبری، فاطمه. ۱۳۹۶. جلوه‌های رمزی اسم اعظم الله در صور توحیدی آثار هنر و معماری اسلامی. فصلنامه نگره. شماره ۱۲ (۴۲). ۲۰-۳۱.
- http://negareh.shahed.ac.ir/article_526.html
- احمدی، بابک. ۱۳۷۸. حقیقت و زیبایی (درس‌های فلسفه هنر). نشر مرکز.
- <https://www.gisoom.com/book/11434428>
- ابن منور، محمد؛ شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۶. اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی سعید. تهران: انتشارات آگاه. ج ۱. ص ۱۹۵.
- <https://www.gisoom.com/book/11005012>
- انصاری، عبدالله ابن محمد. ۱۳۷۹. شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری بر اساس شرح عبدالرزاق کاشانی. تهران: انتشارات الزهرا (س). ص ۹۵.
- <https://www.gisoom.com/book/1173713>
- ابن‌سینا. ۱۹۵۳ م. رساله فی ماهیة العشق. به کوشش احمد آتش. استانبول.
- <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/86222/1>
- ابن‌سینا. ۱۳۶۳. الشفاء (الالهیات). راجعه و قدم له. ابراهیم مدکور. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- <http://library.iki.ac.ir/cgi-bin/koha/opac-search>.
- احمدی. فریال، صادقی. علی‌رضا، ۱۳۸۹، بررسی مفهوم هویت در معماری قدسی، کتاب ماه هنر. شماره ۴۸، ۱۰۶-۱۱۱.
- https://www.magiran.com/vol_ume/58310
- انوری، حسن. ۱۳۸۲. فرهنگ فشرده سخن، تهران: سخن.
- <https://www.gisoom.com/book/1267985>
- بحرانی، سید هاشم. ۱۳۳۴، البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، صفحه ۴۲۵.
- <https://www.ghbook.ir/index.php>
- برزگر، محمدرضا. ۱۳۸۳. بازشناسی هویت شهری. در مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، ۱۹۷. شیراز: دانشگاه شیراز.
- <https://anthropology.ir/dossier/720.html>



<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=198461>

• مهدی نژاد، جمال‌الدین؛ طاهر طلوع دل، محمد صادق؛ عظمتی، حمیدرضا؛ حبیب‌آباد، علی صادقی، ۱۳۹۵. جستاری بر ویژگی‌های معماری ایرانی-اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری. پژوهش‌های هستی‌شناختی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی. (۵)۱۰، ۳۱-۵۰.

http://orj.sru.ac.ir/article_565.html

• مهدی نژاد، جمال‌الدین، حمیدرضا عظمتی، علی صادقی حبیب‌آباد. ۱۳۹۸. تبیین راهبردی مؤلفه‌های حس معنوی در معماری مساجد ایران. مطالعات ملی (۸۷): ۷۸-۹۴.

<http://www.rjnsq.ir/component/k2/item/1325>

• مهدی نژاد، جمال‌الدین، حمیدرضا عظمتی، علی صادقی حبیب‌آباد. ۱۳۹۷. رتبه‌بندی شاخص‌های آرامش معنوی در معماری مساجد سنتی مبتنی بر ادراک حس معنویت با بهره‌گیری از روش VIKOR. پژوهش‌های هستی‌شناختی. ۷ (۱۴): ۸۲-۵۹.

http://orj.sru.ac.ir/article_1007.html

• مهدی نژاد، جمال‌الدین، حمیدرضا عظمتی، علی صادقی حبیب‌آباد. ۱۳۹۷. اولویت‌بندی و تفحصی بر اصول و ارزش‌های معماری ایرانی دوره اسلامی؛ مبتنی بر تجلی معنا در عناصر کالبدی معماری با استعانت از آیه ۲۳ سوره مبارکه حشر. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی (۸) ۲۳، ۵۰-۶۹.

<http://jria.iust.ac.ir/article-1-1173-fa.html>

• مددپور، محمد. ۱۳۷۷. حکمت معنوی و ساحت هنر. تهران: انتشارات سوره.

<https://www.gisoom.com/book/1135219>

• ندایی‌فرد، احمد. ۱۳۸۶. هویت فرهنگی و نقش آن در طراحی محصولات. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۹۱، ۳۰-۹۱، ۹۸.

https://journals.ut.ac.ir/article_18053.html

• نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۵. معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). اصفهان: راهیان.

<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/804317>

• مظفر، فرهنگ؛ ندیمی، هادی؛ صالحی، ابوذر، ۱۳۹۵. هویت مکان‌های تاریخی در بستر تغییر؛ تحقیق در مبنای نظری مواجهه هویت مکان‌های تاریخی با تغییر،

• طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴. المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی. همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ج ۱۹. ص ۱۳۷- ج ۲۰. ص ۴۳۷.

https://www.ghbook.ir/index.php?option=com_dbook&task=viewbook&book_id=1009833019&lang=fa

• علامه، میرحسین. ۱۳۸۴. شناخت‌شناسی هنر در نگرش قرآنی. ۷۶-۸۰.

<http://ensani.ir/fa/article/76876>

• قدوسی نژاد، زهرا؛ فاطمی نیا، مهران؛ چوپانکاره، وحید. ۱۳۹۴. بررسی هویت معنوی مبتنی بر صفات در طراحی محصول. هنرهای زیبا. شماره ۲۰ (۴): ۷۳-۸۴.

https://journals.ut.ac.ir/article_57015.html

• کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۹. اصول کافی. ترجمه جواد مصطفوی. تهران: انتشارات: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة. ج ۱. باب اراده ص ۸۶.

https://www.ghbook.ir/index.php?option=com_dbook&task=viewbook&book_id=1010337001&Itemid=&lang=fa

• کبیری سامانی، علی؛ ملکوتی، علیرضا؛ یادگاری، زهره. ۱۳۹۵. بازشناسی معنی‌خانه در قرآن (رهیافتی در جهت تبیین مبانی نظری‌خانه). باغ نظر. شماره ۱۳ (۴۵): ۶۱-۷۶.

http://www.bagh-sj.com/article_43432.htm

• گوهرین، صادق. ۱۳۶۸. شرح اصطلاحات تصوف. تهران: انتشارات زوار. ج ۲ ص ۹۵.

<https://www.hamrahnoor.ir/book/10428>

• لطیفی، محمد؛ دانشجو، خسرو. ۱۳۹۵. آفرینش اثر معماری در نگاه به خلقت جهان آفرینش از دیدگاه قرآن. فصلنامه نقش‌جهان. شماره ۶ (۲): ۵-۱۵.

<https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-4862-fa.html>

• حاکم نیشابوری، ابوعبدالله. ۳۷۳ ق. مستدرک علی‌الصحیحین. مصحح: یوسف عبدالرحمن المرعشی. ج ۳. ص ۱۲۴.

<http://lib.efatwa.ir/42119/1/41>

• حق طلب، طاهره، کاروان. فرهاد، ۱۳۹۱. مسجد تجلی‌گاه معماری قدسی، نشریه هفت حصار، شماره اول، ۲۸-۲۱.



http://www.hrpub.org/journals/article_info.php?aid=1595

- Nasrollahi, Fatemeh. 2015. Transcendent Soul of the Muslim Architect and Spiritual Impact of the Islamic Architecture. Journal of Islamic Studies and Culture. 3(2). 99-86.

<https://pdfs.semanticscholar.org/0005/c9e81a024ba65b999d7b1a5534141f952254.pdf>

- Nasr, S. H. 1999. The Spiritual Significance of Jihad, Islamic Art. Sophia: No2. pp 141-153.

<https://www.al-islam.org/al-serat/vol-9-no-1/spiritual-significance-jihad-seyyed-hosseini-nasr>

- Nasr, S. H. 1996. Wisdom and Spirituality. Translate by Hashem Ghasemian. Tehran: Religious Studies Office.

http://sciencejournal.in/data/documents/Life-Sci.-Special-Issue-Vol-3-3-64_2.pdf

مرمت و معماری ایران، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱۲-۱.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=273730>

- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۵. مجموعه آثار. تهران: صدرا. <https://www.gisoom.com/book/11249635>

• مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۶. پیام قرآن. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه. ج ۴ از ص ۲۸۷ تا ۲۹۴.

<http://lib.eshia.ir/10312/1/24>

- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۶، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمدعلی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامیه.

https://www.ghbook.ir/index.php?option=com_dbook&task=viewbook&book_id=2683&lang=fa

- معین، محمد. ۱۳۸۸. فرهنگ معین. چاپ دوم. انتشارات زرین. تهران: ۷۶۴.

<https://www.30book.com/Book/6390>

- هاشم نژاد، حسین. ۱۳۸۵. درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان اسلامی. قیسات. شماره ۳۹ و ۴۰.

http://qabasat.iict.ac.ir/article_17428.htm

- Borja de Mostaza. Brigitte. 2003. Design management using design to build brand. In ahn. Hyeshin Research on product identity by analyzing the examples of mobile phone. Grade science doctors der philosophine. University Duisburg-Essen.

https://www.researchgate.net/publication/238169960_Brigitte_Borja_de_Mozota_Design_Management_Using_Design_to_Build_Brand_Value_and_Corporate_Innovation_Design_Management_Institute_and_Allworth_Press_New_York_2003_I_SBN_1-58115-283-3

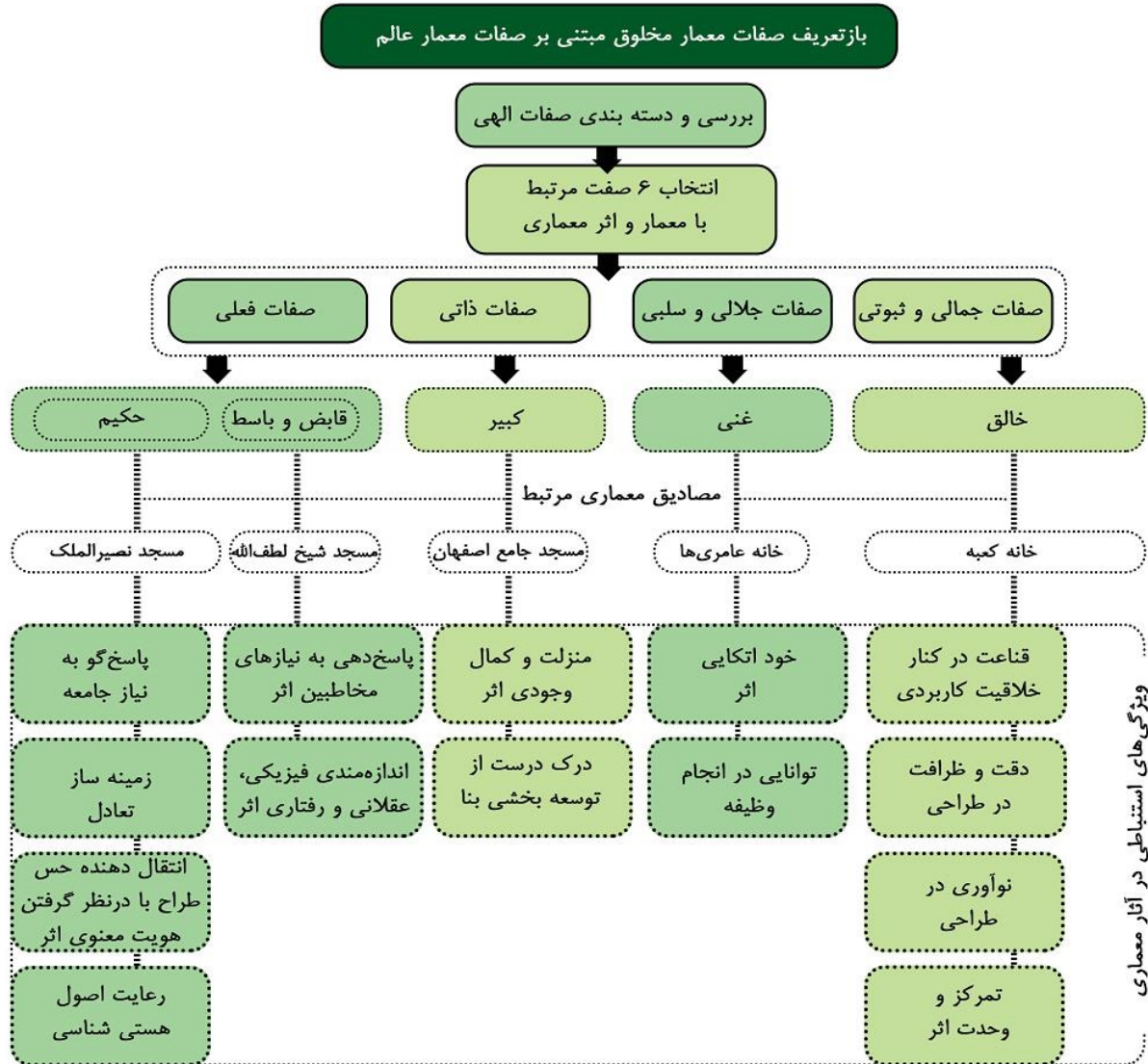
- Burckhardt. Titus. 1967. Sacred Art in East and West: Its Principles and Methods. Translated by Lord Northbourne. 2001. United States: World Wisdom.

<https://www.amazon.com/Sacred-Art-East-West-Principles/dp/090058811X>

- Dogan. 2014. Key Names and Attributes in the Qur'an to Identify Human Essence. Universal Journal of Psychology 2(5). 166-158.



۱۳- چکیده تصویری



دوفصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال پنجم، شماره دهم
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

